



شناسایی الگوی جاری حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه توجه به صنعت و بازار

نعمت جعفریان اول^۱، هادی پورشافعی^۲، حسین مؤمنی مهموئی^۳، امیر امیری رشخوار^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی الگوی جاری حکمرانی دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه توجه به صنعت و بازار بوده است. این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی و کاربست روش داده بنیاد انجام گرفت. جامعه آماری شامل اعضای هیات رئیسه و رؤسای دانشکده‌های واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در استان خراسان رضوی بوده‌اند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاک محور انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان (تا رسیدن به اشباع نظری) جمع‌آوری شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده گردید. در راستای تأمین روایی و پایایی از معیارهای لینکن و گوبا بهره گرفته شد. نتایج نشان‌دهنده ۳۸ مفهوم محوری و ۱۳ مقوله منتخب است که در قالب نظریه داده‌بنیاد شامل ارتباط ناکارآمد دانشگاه، صنعت و بازار به عنوان پدیده محوری، شرایط علی (عوامل ساختاری - سازمانی؛ عوامل ارتباطی - تعاملی؛ عوامل علمی - حرفه‌ای)، راهبردها (گرایش به رویکردهای سنتی در حکمرانی؛ عدم تنوع در شیوه‌های تأمین مالی؛ گسست ارتباطی دانشگاه و نهادهای واسط صنعتی - تجاری)، شرایط زمینه‌ای (عوامل محیطی - زیرساختی)، شرایط مداخله‌کننده تسهیل‌گر (ضرورت‌ها و الزامات رقابتی؛ درس‌آموخته‌های منطقه‌ای و جهانی؛ توده‌ای شدن آموزش عالی)، شرایط مداخله‌گر محدودکننده (سیاست‌زدگی و محرک‌های اجتماعی - فرهنگی) و پیامد (پیامدهای فردی؛ سازمانی و عمومی - اجتماعی) سازمان یافت. با توجه به یافته‌ها در زمینه حکمرانی دانشگاهی بازارگرا عوامل دانشگاهی، اجتماعی و آموزشی نقش داشته و دانشگاه آزاد اسلامی در این زمینه نیازمند تجدید ساختار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی دانشگاه آزاد، رابطه دانشگاه و صنعت، حکمرانی دانشگاهی بازارگرا

۱. دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول).

h.pourshafei@birjand.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

۴. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

مقدمه

حکمرانی دانشگاهی مفهومی غامض و متکثر است (انگو^۱، ۲۰۱۹) و به طور روزافزون بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود. طی دهه‌های گذشته این مفهوم در سراسر جهان توجهات زیادی را به خود معطوف داشته است (کروچر و همکاران^۲، ۲۰۱۹). حکمرانی دانشگاهی به معنای روش‌ها و فرایندهای قانونی است که دانشگاه‌ها امورات خود را هدایت می‌کنند. به بیان دیگر، حکمرانی دانشگاهی به عنوان رفتاری مبتنی بر قدرت و اختیار در تخصیص و مدیریت منابع است که شامل تصویب سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، کنترل و هدایت سازمان، به منظور افزایش اثربخشی می‌باشد (فیلهو و همکاران^۳، ۲۰۲۱). حکمرانی دانشگاهی اغلب به عنوان ترتیبات رسمی چندسطحی تعریف می‌شود که دانشگاه‌ها را در راستای دستیابی مؤثر به برتری علمی هدایت می‌نماید (انگو، ۲۰۱۹). بسیاری از پژوهش‌ها بر ارتباط عمیق مباحث حکمرانی دانشگاهی با برنامه‌های استراتژیک، مأموریت‌ها، چشم‌اندازها، برنامه‌های درسی، مدیریت نهادی (فاودی و همکاران^۴، ۲۰۲۱؛ ساهلین و همکاران^۵، ۲۰۲۴) و عملکرد و کیفیت کارویژه‌های دانشگاه، اشاره داشته‌اند (کریستینسن و همکاران^۶، ۲۰۱۹؛ هویسمن و استنسر^۷، ۲۰۲۲).

درباره خاستگاه تحولات حکمرانی دانشگاهی می‌توان به پویایی‌ها و چالش‌های فراروی آموزش عالی و دانشگاه اشاره داشت. هر چند عمده دلایل تحول این مفهوم به رویدادهایی مانند جهانی شدن و فلسفه‌های مرتبط با حکمرانی سیاسی دولت‌ها بازمی‌گردد؛ اما واکاوی ادبیات موضوع، منعکس‌کننده آرا و نظرات اجمالی‌تر پژوهش‌گرانی است که چالش‌های فراروی آموزش عالی را در طیفی وسیع‌تر و جزئی‌تر مورد کندوکاو قرار داده‌اند. چالش‌های مذکور در حوزه آموزش عالی بر نحوه حکمرانی و مدیریت دانشگاه‌ها تأثیرات عمیقی بر جای گذاشته است و در عموم موارد موجب تحریک حکمرانی دانشگاه‌ها به گزینش رویکردهایی همگرا با صنعت و بازار گردیده است و پذیرش کنش‌هایی تجاری و شبه-تجاری از جانب دانشگاه را منطقی و موجه جلوه داده است. در همین راستا می‌توان چالش‌هایی از این دست را به عنوان پیشران‌های تحول حکمرانی دانشگاهی در نظر گرفت: ظهور جوامع و اقتصادهای دانش‌بنیان^۸ و رویکرد نوین مدیریت عمومی^۹ (کان^{۱۰}، ۲۰۲۳؛ دونینا و پالاری^{۱۱}، ۲۰۱۸)، توده‌ای شدن آموزش عالی و افزایش تصاعدی تقاضا برای آموزش عالی (موک^{۱۲}، ۲۰۲۱)، افزایش مقیاس و محدوده پژوهش‌های دانشگاهی (محمودی توپکانلو و معرفت، ۱۴۰۲)، ارتقای پاسخ‌گویی اجتماعی، افزایش شفافیت، کارایی، تجاری‌سازی^{۱۳} و کاربردی نمودن دانش دانشگاهی (نادری و همکاران، ۱۴۰۲)، مسائل بودجه‌ای و تأمین مالی دانشگاه‌ها (انگو و میک^{۱۴}، ۲۰۱۹)، رقابت‌های ناشی از بین‌المللی و جهانی شدن

¹ Ngo

² Croucher et al

³ Filho et al

⁴ Fuadi et al

⁵ Sohlin et al

⁶ Christensen et al

⁷ Huisman & Stensaker

⁸ knowledge societies & Economies

⁹ New Public Management

¹⁰ Stransky-Can

¹¹ Donina & paleari

¹² Mok

¹³ Commercialization

¹⁴ Ngo & meek

دانشگاه‌ها، پیشرفت‌های تکنولوژیکی (لوکاس^۱، ۲۰۲۱؛ بل^۲، ۲۰۲۱)، خصوصی‌سازی، تمرکززدایی و مقررات‌زدایی آموزش عالی (امیری، ۱۴۰۱)، بررسی و کنترل بیشتر نظام‌های دانشگاهی، افزایش تقاضا برای تناسب و ارتباط بیشتر صلاحیت‌ها و مدارک دانشگاهی با نیازها و خواسته‌های بازار کار (کان، ۲۰۲۳).

لازم به ذکر است که از دهه ۱۹۹۰ حکمرانی دانشگاهی سعی در انطباق و سازگاری بیشتر با تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی جوامع داشته است (دونینا و ساندراس^۳، ۲۰۱۸) تا از این رهگذر مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها نمود بیشتری یابد (جرج و پنا^۴، ۲۰۱۷) و ترجیحات و نیازهای عمومی نیز مورد مذاقه قرار گیرد (گارسیا و همکاران^۵، ۲۰۱۸). رویکردهای مختلف حکمرانی دانشگاهی که در سال‌های اخیر نضج و اشاعه یافته است؛ نیز این مهم را به خوبی مدنظر قرار داده‌اند و به لحاظ جهت‌گیری غالب در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، غالباً نقش پررنگی را به توجه به نیازهای جامعه، بازار و صنعت و همخوانی به آن داده‌اند و التزام و همسویی کارکردی و ساختاری بیشتر دانشگاه را در راستای پذیرش نقش‌های کارآفرینانه، ارتقای کیفیت و کمیت فرایند انتقال دانش و فناوری و ارتباط عمیق‌تر با بازار و صنعت، شتاب بخشیده‌اند (پرونی و دیگران^۶، ۲۰۲۱). از جمله این رویکردهای حکمرانی دانشگاهی می‌توان به مدل‌های بازاری^۷، مدل‌های آنگلوامریکن^۸ و کارآفرینانه (امیری و ابوالقاسمی، ۱۴۰۱)، مدل حکمرانی اشتراکی^۹ (ناباهو^{۱۰}، ۲۰۱۹)، مدل‌های حکمرانی کسب و کاری، شرکتی و ترکیبی^{۱۱} (جیانگ و کیم^{۱۲}، ۲۰۲۰) اشاره داشت.

می‌توان ادعا نمود که تعهد دانشگاه‌ها به نقش‌آفرینی بیشتر در توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه‌ای و ملی از یک سو و اشتیاق سیاست‌گذاران این حوزه به تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاه، منجر به شتاب بیشتر دانشگاه‌ها به پذیرش رویکرد کارآفرینانه، تجاری و بازارمحور شده است (های و دیگران^{۱۳}، ۲۰۱۶). این ارتباط سازنده و مؤثر در شکل ۱ نشان داده شده است.

¹ Lucas

² bell

³ Donina & sandra

⁴ Jorge & Peña

⁵ Martínez-García et al

⁶ Pronay et al

⁷ Market Model

⁸ Angli-American Model

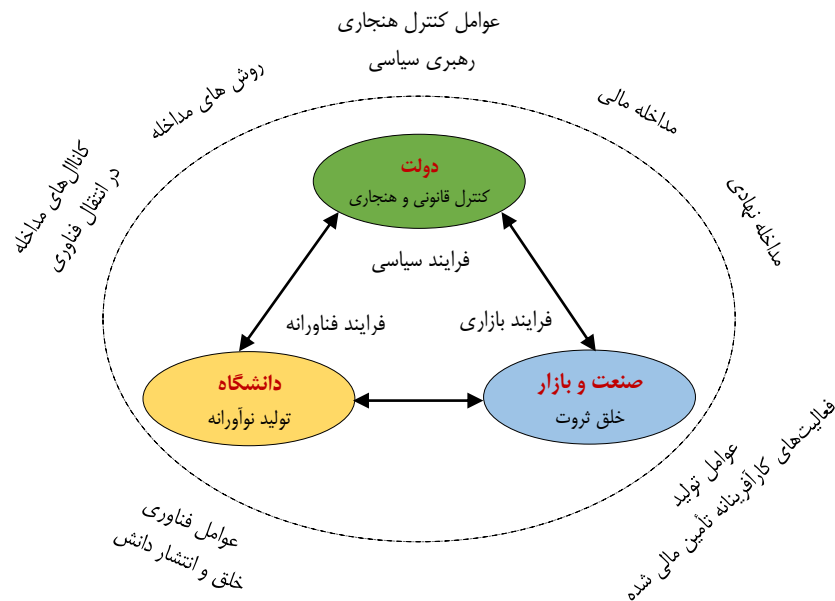
⁹ Shared Governance

¹⁰ Nabaho

¹¹ Integrated Model

¹² Jiang & kim

¹³ Huyghe et al



شکل ۱- روابط متقابل دانشگاه صنعت و دولت در مدل ماریچ سه‌گانه (نقل از امیری، ۱۴۰۱)

در آموزش عالی ایران و دانشگاه آزاد اسلامی نیز همگام با تحولات اخیر و درس‌آموخته‌های موجود از تجارب منطقه‌ای و جهانی، توجه ویژه‌ای به مباحثی همچون ارتباط با صنعت و بازار شده است. لذا با توجه به اهمیت نقش آفرینی دانشگاه در اشتغال آفرینی دانشجویان و ارتباط نزدیک دانشگاه با صنعت و بازار در اسناد بالادستی و برنامه ششم توسعه و از سویی تأکید سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۹۹) بر ارتباط نزدیک دانشگاه آزاد اسلامی با صنایع و بازار کشور می‌طلبد به طراحی الگویی جامع در این زمینه توجه شود. اما شواهد تجربی گویای آن است که کیفیت این توجه و ارتباط، چندان از مطلوبیت لازم برخوردار نبوده است (امیری و ابوالقاسمی، ۱۴۰۱، نادری و همکاران، ۱۴۰۲ و امیری فرح آبادی و ابوالقاسمی، ۱۴۰۳). از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی الگوی جاری حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه توجه به صنعت و بازار، با بهره‌گیری از نظریه داده بنیاد بوده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهشی

با بزرگ شدن افراد و ورود به اجتماع بزرگ‌تر دانشگاه زمینه‌ها و علایق مشارکت اجتماعی و اقتصادی دانشجویان شکل می‌گیرد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷) در نظام آموزش عالی زمینه مشارکت فعال فراگیر در جامعه با توجه به فرصت‌ها پیش آمده شکل گرفته و جریان سازی می‌شود (جان بزرگی و همکاران، ۱۳۹۵). از مؤلفه‌های اساسی در تربیت دانشجویان زمینه حکمرانی دانشگاه است. به گفته نوا چیز (۱۹۹۱)، دانشگاه دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌های اساسی را آموزش می‌دهد که فراگیران را شهروندانی مؤثر می‌سازد و به توسعه کشورشان در حوزه سیاسی، اقتصادی و فناوری کمک می‌کند (نئودرف و همکاران، ۲۰۱۷).

حکمرانی دانشگاهی بازارگرا از جمله رویکردهای حکمرانی دانشگاهی نوین که تمرکز و هم‌نوایی بیشتری با رویکردهای بازارمحورانه، شبه‌تجاری و کارآفرینانه داشته باشند (بروکر^۱ و دیگران، ۲۰۲۲). در ادامه به صورت خلاصه گزارشی از پیشینه پژوهشی ارائه می‌شود:

^۱. Broucker

امیری فرح آبادی و ابوالقاسمی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان سهم و نقش حکمرانی دانشگاهی در تحقق کارکردهای دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی در آموزش عالی ایران پرداخت با توجه یافته‌ها می‌توان گفت که شاخص‌های حکمرانی بازارگرا در نظام آموزش عالی ایران می‌تواند موجب ارتقای کیفیت کارکردهای دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی گردد. سلیمان‌پور عمران و جعفرزاده حصاری (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان حکمرانی خوب و نقش آن در نظام آموزش عالی ایران به این نتیجه رسیدند که رابطه متقابلی بین عدم تحقق حکمرانی خوب و افول نظام سیستم آموزشی در سطح کلان وجود دارد.

شهبازی تنک کلوه و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان الزامات حاکم بر حکمرانی خوب در آموزش عالی به این نتیجه رسیدند که حکمرانی آموزش عالی اشاره به تخصیص قانونی قدرت در بین ساختارهای متنوع تصمیم‌گیری‌های دانشگاه و ساختارهای متنوع اجرایی و اداره کردن دانشگاه دارد.

یودیانتو و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان تأثیر حکمرانی خوب دانشگاهی و سرمایه فکری بر عملکرد دانشگاه در اندونزی، به این نتیجه دست یافتند که حکمرانی خوب دانشگاهی و سرمایه فکری تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد دانشگاه‌های دولتی کشور اندونزی دارند. همچنین یافته‌های این پژوهش گویای آن بود که حکمرانی خوب دانشگاهی تأثیر مثبت و معناداری بر سرمایه فکری دارد.

ویله‌اوسویگ (۲۰۲۲) در پژوهش خود شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا را شامل جهت‌گیری تدریس بر مبنای برآوردن نیازهای جامعه؛ بازنگری برنامه‌های درسی بر اساس اقتضانات منطقه‌ای؛ تدوین استانداردهای آزمون و فارغ‌التحصیلی بر اساس ترجیحات بازاری و شبه‌تجاری بیان داشت.

روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی الگوی جاری حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه توجه به صنعت و بازار بوده است. به منظور دستیابی به این هدف، رویکرد کیفی با کاربردی مدل پارادایمی داده‌بنیاد مدنظر قرار گرفته است. از آنجا که در این پژوهش هدف شناسایی وضعیت موجود بر مبنای تجارب زیسته افراد و ارائه الگو جهت سازماندهی آن بود رویکرد داده‌بنیاد مطلوب جلوه می‌کند. در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک اشتروس و کوربین برای نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در رویکرد سیستماتیک پژوهشگر می‌باید روش و فن مشخصی برای تحلیل در پیش بگیرد و کدگذاری مرحله‌مندی (باز، محوری و انتخابی) را به اجرا درآورد و کار نهایی خود را در الگوی پارادایمی یکسانی ارائه کند (فراستخواه، ۱۳۹۸). جامعه مورد مطالعه این پژوهش اعضای هیات رئیسه و رؤسای دانشکده‌های واحدهای دانشگاه آزاد در استان خراسان رضوی بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند، از نوع ملاک‌محور، نمونه‌ی مورد نظر انتخاب شدند. لازم به ذکر است که انتخاب مشارکت‌کنندگان و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با آنها، تا رسیدن به مرحله اشباع نظری داده‌ها، ادامه یافت. طی این فرایند با ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر مصاحبه گردید. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش داشتن حداقل ۵ سال تجربه مدیریتی در دانشگاه آزاد اسلامی و حداقل مدرک دکتری تخصصی بوده است. جهت محرمانه ماندن مشارکت‌کنندگان در مراحل پژوهش و رعایت اخلاق پژوهشی به هر کدام از آنها یک کد اختصاص داده شد. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده‌بنیاد، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله: کدگذاری باز؛ کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام

شد. برای تأمین روایی و پایایی از روش گوبا و لینکلن^۱ ۱۹۸۰ استفاده شد. آنها چهار معیار «قابلیت اعتبار^۲، قابلیت انتقال^۳، قابلیت اتکا^۴ و قابلیت تأیید^۵» را به منظور ارزیابی دقت علمی پژوهش مدنظر قرار داده‌اند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۶). در زمینه‌ی قابلیت اعتبار، از روش کنترل اعضاء استفاده شد. در زمینه‌ی قابلیت انتقال، یافته‌ها در اختیار متخصصین قرار داده شد. در زمینه‌ی قابلیت اتکا (قابلیت اطمینان)، از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد و در زمینه‌ی قابلیت تأیید مرور و بازخورد هم‌تایان بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

همچنان که گفته شد در راستای دستیابی به هدف پژوهش حاضر، رویکرد نظریه داده‌بنیاد مدنظر قرار گرفت. به این منظور با خبرگان و صاحب‌نظران حوزه حکمرانی دانشگاهی که تجارب علمی و عملی ارزشمندی در رابطه با موضوع پژوهش حاضر داشتند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. پس از انجام هر مصاحبه، تحلیل چند باره آنها آغاز شد و سعی گردید که هر مصاحبه نقش هدایت‌گر در فرایند مصاحبه‌های بعد داشته باشد. در اثنای مصاحبه‌ها مفاهیم ظهور می‌یافتند و از مقایسه مفاهیم مقوله‌ها شکل گرفتند و ذهن پژوهشگران را به قضایا و گزاره‌های مختلفی درباره حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار، سوق می‌دادند. مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده‌سازی، به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس براساس مشابهاات، ارتباط مفهومی و ویژگی‌های مشترک کدهای باز، محوری و منتخب (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند. برای این کار روش‌های تحلیل اشتروس و کوربین مدنظر قرار گرفتند (اشتروس و کوربین، ۲۰۰۸). این الگو شامل ۷ محور می‌باشد که در ادامه به هر یک از آنها پرداخته خواهد شد.

پدیده محوری

پدیده محوری، مضمون اصلی پژوهش است که اگرچه از درون پژوهش بیرون می‌آید اما یک مفهوم انتزاعی است (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر مرکز ثقل الگوی جاری حکمرانی دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه توجه به صنعت و بازار، ارتباط ناکارآمد دانشگاه، صنعت و بازار (سهم اندک بودجه‌های دانشگاهی از مشارکت‌های صنعتی؛ عدم تناسب نظام‌های ارزیابی و ارتقای شغلی؛ توسعه نامطلوب مأموریت‌های دانشگاهی) می‌باشد. در جدول ۱ موارد مذکور ارائه شده است.

جدول ۱- پدیده محوری الگوی جاری حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه صنعت و بازار		
کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
ارتباط ناکارآمد دانشگاه، صنعت و بازار	سهم اندک بودجه‌های دانشگاهی از مشارکت‌های صنعتی	"به طور کل دانشگاه نتوانسته است از ظرفیت‌های خود در راستای تأمین منابع مالی و اعتباری استفاده کند." "کنش‌های شبه تجاری و بازاری به هیچ عنوان در رویکرد دانشگاه مشهود نیست." "شهریه فقط یکی از منابع مالی دانشگاه است؛ ولی در حال حاضر فقط همین رویکرد در دانشگاه غالب است."
	عدم تناسب نظام‌های ارزیابی و ارتقای شغلی	"باید نقش فعالیت‌های مرتبط اعضای هیات علمی در رابطه با صنعت و بازار در ارتقای حرفه‌ای آنها بسیار پررنگ‌تر باشد."

¹ Guba & Lincoln

² Credibility

³ Transferability

⁴ Dependability

⁵ Conformability

		"باید مکانیسم‌های نظارتی در جهتی باشد که بتواند اساتید را به ایفای نقش بیشتر در جامعه و بخش‌های تولیدی و صنعتی سوق دهد."
		"رویکردهای فعلی توسعه حرفه‌ای منابع انسانی دانشگاه کمتر بر مأموریت بازارگرایی متمرکز است"
توسعه نامطلوب		"هر فلسفه و ماهیتی برای دانشگاه، باید در بیانیه‌های مأموریتی، در حرف و عمل خود را نشان دهد"
مأموریت‌های دانشگاهی		"در بسیاری از دانشگاه‌های پیش‌رو، بازنگری مداوم مأموریت‌های دانشگاهی جز لاینفک اقدامات رهبران دانشگاهی است."

سهم اندک بودجه‌های دانشگاهی از مشارکت‌های صنعتی

برخی از مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر اذعان داشته‌اند که دانشگاه آزاد در موقعیت کنونی، نتوانسته است سهم قابل توجهی از منابع مالی مورد نیاز خود را از مشارکت‌های صنعتی و تجاری به دست آورد. در این مقوله به مواردی همچون مغفول ماندن ظرفیت‌های دانشگاه؛ ضعف کنش‌های شبه تجاری و بازارمحورانه و تک‌بعدی بودن تأمین مالی، اشاره شده است. در ادامه به برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان پژوهش اشاره می‌شود.

"دانشگاه‌ها در بخش دولتی تا حدود زیادی متکی به منابع بودجه‌ای مصوب دولت هستند و بدون این منابع قادر به فعالیت نیستند. در دانشگاه آزاد هم این اتکا بر شهریه‌های دانشجویی است. ولی مسأله‌ای که مشخص است، عدم کفایت این منابع برای امور جاری و توسعه‌ای دانشگاه‌هاست."

"معتقدم دانشگاه‌ها باید خود را با استانداردها و ملاک‌های بازار و تجارت وفق دهند و در عین انجام رسالت‌های اجتماعی و علمی خودشان، در این محور هم تقویت شوند."

عدم تناسب نظام‌های ارزیابی و ارتقای شغلی

به گواه نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش، نظام‌های ارتقا و ترفیع و همچنین ارزیابی، مخصوصاً درباره اعضای هیات علمی، می‌تواند هدایت‌گر و معیار مناسبی برای جهت‌گیری فعالیت‌های حرفه‌ای باشد. از این رو در این مقوله مواردی مانند ناهمخوانی نظام ارتقا با مأموریت‌های نوین؛ ناکارآمدی رویکردهای نظارتی و نامتناسب بودن برنامه‌های توسعه حرفه‌ای از اصلی‌ترین گزاره‌های مورد تأکید مشارکت‌کنندگان بوده است. در این زمینه می‌توان برخی از اذعانات ایشان را مورد توجه قرار داد:

"اگر قرار باشد که رویکرد فعالیتی دانشگاه و عناصر آن متحول شوند و ارتباط بیشتری بین دانشگاه و بازار و صنعت به وجود بیاید؛ باید ترفیع و ارتقای درجه و ... اساتید نیز همراستا با این ترجیحات متحول شوند."

"هرگونه ارزیابی اساتید و حتی سایر کارکنان دانشگاهی باید سمت و سویی با افزایش پیوند دانشگاه و محیط بیرونی دانشگاه داشته باشد. در غیر این صورت عموم تصمیم‌ها و توصیه‌هایی که از جانب نهادهای بالادستی صورت می‌گیرد، محقق نمی‌شود."

توسعه نامطلوب مأموریت‌های دانشگاهی

فرایند تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته، گویای آن بوده است که در این مقوله دو محور ابهام در فلسفه و ماهیت نهادی و عدم بازنگری مأموریت‌ها می‌تواند مورد شناسایی قرار گیرد. در همین راستا می‌توان برخی از اشارات مشارکت‌کنندگان در این رابطه را ذکر نمود:

"دانشگاه اگر می‌خواهد همچنان به عنوان یک نهاد مؤثر و ضروری در جامعه و نزد سیاست‌گذاران مطرح باشد باید بتواند با نقش‌آفرینی در حوزه‌های مختلفی که مورد نیاز جامعه است، تاثیرگذار باشد و به فراخور نیازهای محیطی، مأموریت‌ها و کارویژه‌های خود را متحول سازد."

"در دانشگاه‌های مطرح، مأموریتی که برای دانشگاه عنوان می‌شود برخاسته از یک فلسفه بنیادین و محوری است که پیش از این سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران دانشگاهی و کشور در مورد آن به توافق رسیده‌اند. ولی متأسفانه این مسأله در مورد دانشگاه‌های ما صدق نمی‌کند."

شرایط علی

شرایط علی در حقیقت علل موجد پدیده اصلی در این پژوهش تلقی می‌شود. شرایط علی در الگوی پژوهش کنونی، خود شامل ۳ مقوله اصلی با عناوین: عوامل ساختاری - سازمانی؛ عوامل ارتباطی - تعاملی و عوامل علمی - حرفه‌ای، بوده است (جدول ۲).

جدول ۲- شرایط علی الگوی جاری حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه صنعت و بازار		
کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
عوامل ساختاری - سازمانی	نامناسب بودن ساختارها	"اگر قرار باشد دانشگاه در زمینه صنعت و بازار رویکردی مشارکتی داشته باشد؛ باید ساختارها نیز با این مأموریت‌ها همراستا باشند."
		"ایجاد ساختارهای دانشگاه آزاد باید در چارچوب رویکرد تجاری و صنعتی و ارتقای ارتباطات با صنعت و بازار تعریف شود."
		"در دانشگاه، هر ساختاری که به وجود می‌آید باید برآمده از یک نیاز باشد"
	نبود هم‌افزایی ساختاری	"معتقدم هنوز همه اجزا و ساختارهای دانشگاه در زمینه تغییر کنش دانشگاه آزاد یک دستور کار مشترک ندارند."
		"هم‌افزایی بین همه بخش‌های دانشگاه اعم از آموزش و پژوهش و توسعه و بهسازی منابع انسانی و ... به منظور تغییر رویکرد حکمرانی، دیده نمی‌شود."
	عدم چابکی ساختاری	"ساختارهای دانشگاه نتوانسته‌اند با تحولات پرشتاب امروزی، خود را همخوان کنند."
"تحول منابع انسانی با توجه به چالش‌های محیطی ضرورتی است که نادیده گرفته شده است."		
عوامل ارتباطی - تعاملی	نبود تعامل مستمر درونی و بیرونی	"دانشگاه نباید محیطی بسته باشد و باید مداوم با محیط پیرامونی در ارتباط باشد"
		"شناخت نیازهای محیطی و حرکت در جهت برآوردن آنها از جانب دانشگاه تا حدود زیادی مغفول مانده است."
		"در موقعیت کنونی دانشگاه به شکل جزیره‌ای عمل می‌کند و خود را ملزم به پاسخ‌گویی به جامعه، بازار و صنعت نمی‌بیند."
	کم توجهی به بازخوردهای محیطی	"مدیران دانشگاه، احساس نیازی به پایش مستمر محیطی احساس نمی‌کنند."
		"سازوکاری که بتواند بازخوردهای بازار و صنعت را بررسی کند و طبق آن، رویکردها تغییر کند؛ در دانشگاه دیده نمی‌شود."
	کم توجهی به پویایی برنامه‌های درسی	"سرعت تغییر و سازگاری برنامه‌های درسی در دانشگاه آزاد آنچنان مطلوب نیست."
		"بسیاری از دوره‌ها و برنامه منطبق با آمایش منطقه‌ای و محلی نیست."
	عدم مشارکت در نظام‌های تضمین کیفیت	"رویکرد دانشگاه آزاد در سال‌های اخیر گسترش دانشگاه به صورت کمی و پاسخگویی به تقاضا بوده است."
"هنوز اعتبارسنجی و برنامه‌های تضمین کیفیت در دانشگاه، مورد توجه قرار نگرفته است."		
انفعال در رتبه‌بندی دانشگاهی	"رتبه‌بندی‌های دانشگاهی، شاخص مؤثری در موفقیت رویکرد حکمرانی دانشگاه می‌باشد، ولی از جانب متولیان و مدیران چندان جدی گرفته نمی‌شود."	

عوامل علمی - حرفه‌ای	ضعف در ارزیابی کیفیت تدریس	"کیفیت تدریس و تعاملات دانشجویان و اساتید با استفاده از رویکردهای نوین مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد."
	مبهم بودن جهت-گیری غالب تدریس و پژوهش	"هنوز کلیت دانشگاه آزاد نتوانسته است؛ جهت‌گیری غالب خود را درباره تدریس و پژوهش روشن سازد."
		"به نظر نباید صرف پژوهش در دانشگاه تضمینی برای کیفیت دانشگاه باشد؛ بلکه پژوهش‌های نظام‌مند در چارچوب نیازهای محیطی باید مدنظر باشد."
	سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری متمرکز	"اختیارات منطقه‌ای و محلی دانشگاه‌ها آنچنان وسیع نیست که آنها بتوانند چابکی لازم را در سازگاری محیطی داشته باشند."
		"به نظر یکی از ضعف‌های اصلی موجود، نبود جریان‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز و سیاست‌پژوه مستقل در حوزه دانشگاه است."
	عدم توجه به نیازها و خواسته‌های ذی‌نفعان	"در یک نظام منطقی دانشگاهی باید تمامی ذینفعان شناسایی شوند و به عنوان یک نهاد عمومی، به آنها اولویت داده شود."
"دانشگاه به دلایلی نتوانسته است مأموریت اصلی خود را رفع نیازهای ذی‌نفعان و جامعه محلی و منطقه‌ای قرار دهد."		

تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته گویای آن بوده است که مشارکت کنندگان پژوهش حاضر مواردی چند را مطرح نموده‌اند که می‌تواند به عنوان شرایط علی الگوی جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار، مورد توجه قرار گیرند. در این راستا پس از تحلیل چند باره مفاهیم شناسایی شده، سه دسته عوامل با عنوان‌های عوامل ساختاری - سازمانی؛ ارتباطی - تعاملی و علمی - حرفه‌ای شناسایی شد. مشارکت کنندگان پژوهش اعتقاد داشته‌اند که به منظور ارتباط کارآمدتر دانشگاه، صنعت و بازار، می‌باید ساختارهای کنونی نیز دچار تحولات اساسی شود. این عامل شامل سه مقوله کلی نامتناسب بودن ساختارها (فقدان همراستایی ساختاری، کم‌توجهی به بازطراحی ساختاری، نبود نیازمحوری)؛ نبود هم‌افزایی ساختاری (نبود دستور کار مشترک، عدم هم‌افزایی)؛ عدم چابکی ساختاری (انطباق موقعیتی نامطلوب، ضعف در تحول منابع انسانی) می‌باشد.

عوامل ارتباطی - تعاملی نیز بر این مسأله تأکید می‌ورزند که ارتباطات محیطی مستمر و تعاملات بین بخشی می‌تواند وضعیت کنونی و نامطلوب حکمرانی دانشگاهی در دانشگاه آزاد را در زمینه صنعت و بازار بهبود بخشد. عوامل ارتباطی - تعاملی دربرگیرنده پنج مقوله کلی نبود تعامل مستمر درونی و بیرونی (نبود تعاملات بیرونی، عدم نیازسنجی محیطی، کارکرد جزیره‌ای)؛ کم‌توجهی به بازخوردهای محیطی (نبود پایش محیطی، فقدان سازوکار تحلیل بازخورد)؛ کم‌توجهی به پویایی برنامه‌های درسی (ایستایی برنامه‌های درسی، بی‌توجهی به آمایش منطقه‌ای)؛ عدم مشارکت در نظام‌های تضمین کیفیت (گسترش کمی بی‌ضابطه، نادیده گرفتن فرایند تضمین کیفیت) و انفعال در رتبه‌بندی دانشگاهی (کم‌توجهی به شاخص‌های رتبه‌بندی دانشگاهی) بوده است.

عوامل علمی - حرفه‌ای، دسته‌ای از مفاهیم و مقولات را شامل می‌شود که ضعف رویکردهای علمی و حرفه‌ای را در بروز وضعیت جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار دارای اهمیت بوده است. این عوامل شامل چهار مقوله کلی ضعف در ارزیابی کیفیت تدریس (عدم پویایی رویکردهای ارزیابی)؛ مبهم بودن جهت‌گیری غالب تدریس و پژوهش (ابهام در جهت‌گیری تدریس و پژوهش، کاربرد محور نبودن پژوهش)؛ سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری متمرکز (تمرکز در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، وابستگی نهادهای سیاست‌پژوه) و عدم توجه به نیازها و خواسته‌های ذی‌نفعان (عدم شناسایی ذی‌نفعان دانشگاهی، بی‌توجهی به نیازها و ترجیحات ذی‌نفعان) می‌باشد.

شرایط راهبردی

شرایط راهبردی در پژوهش حاضر کنش یا واکنش‌هایی است که برای اداره، کنترل، برخورد و پاسخ به پدیده اصلی انجام می‌پذیرد. این بعد از الگوی جاری حکمرانی دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه توجه به صنعت و بازار، شامل ۳ مقوله اصلی گرایش به رویکردهای سنتی؛ عدم تنوع در شیوه‌های تأمین مالی و گسست ارتباطی دانشگاه و نهادهای واسط صنعتی - تجاری بوده است که در جدول ۳ مورد اشاره قرار رفته است.

جدول ۳- شرایط راهبردی الگوی وضعیت حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه صنعت و بازار		
کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
گرایش به رویکردهای سنتی در حکمرانی دانشگاه	کاربست رویکردهای ناهمخوان با متغیرهای محیطی	"به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، رویکردهای فعلی حکمرانی دانشگاه آزاد پاسخگوی وضعیت کنونی نیست." مقاومت در برابر تغییر
		"بی‌توجهی به به‌کارگیری رویکردهای حکمرانی جدید و همراستا با نیازهای محیطی" به‌کارگیری و به‌گزینی ضعیف
	غلبه مدیریت بروکراتیک بر کارآفرینانه	"علی‌رغم تأکیدات کلامی و برنامه‌ای، هنوز مدیریت دانشگاه بر توسعه کارآفرینی نبوده است." نبود باور عینی و عملی مدیران
		"مدیریت دانشگاه همچنان بر رویکردهای سلسله‌مراتبی تأکید دارد و جهت‌گیری بازاری و تجاری را مهم نمی‌داند." غلبه مدیریت بروکراتیک و سلسله‌مراتبی
	عدم بلوغ حرفه‌ای - سازمانی مدیران	"مدیریت دانشگاهی خیلی واقف بر نقش خود به عنوان رهبران تغییر و توسعه نیستند." ابهام در نقش مدیریت
		"مهارت‌ها و دانش‌ها و نگرش‌های لازم مدیران به منظور جهت‌گیری تجاری دانشگاه با ضعف‌هایی روبه‌روست." کم‌توجهی به شایستگی‌های مدیریت
عدم تنوع در شیوه‌های تأمین مالی	کاهش منابع مالی	"در حال حاضر تقریباً تمامی توانایی جذب منابع مالی دانشگاه، کاملاً خطی و پیش‌بینی‌پذیر و عموماً اندک است." خطی و پیش‌بینی‌پذیر بودن
		"دانشگاه به عنوان یک نهاد عمومی و اجتماعی، نقش خود را در حد یک موسسه اقتصادی که فروشنده مدرک دانشگاهی است؛ تقلیل داده." تغییر نامطلوب ماهیت وجودی دانشگاه
	کم بودن اختیار عمل در تعیین شهریه و ...	"دانشگاه باید این اختیار را داشته باشد تا بسته به موقعیت و کیفیت خود، شهریه‌ها دانشجویی را تعیین نماید." اختیار عمل در تعیین شهریه
		"تمرکز موجود در زمینه تعیین شهریه‌ها و سایر خدمات دانشگاهی، رقابت و در نتیجه کیفیت را به چالش کشیده است." کاهش رقابت‌های دانشگاهی
گسست ارتباطی دانشگاه و نهادهای واسط صنعتی - تجاری	عدم توسعه ساختارهای انتقال فناوری	"انتقال فناوری و توسعه نهادهایی مانند انکوباتورهای دانشگاهی، خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است." مغفول ماندن فرایند انتقال فناوری
		"کیفیت توسعه نهادهای واسط فناوری در دانشگاه مطلوب نیست." بی‌توجهی به نهادهای واسط دانشگاه و صنعت
	نامطلوب بودن فرایند تجاری‌سازی	"در عین تأکیدات زیاد در اسناد بالادستی در زمینه تجاری‌سازی، هنوز دانشگاه نتوانسته است اکوسیستم این فرایند را شناسایی و تقویت نماید." گسست اندیشه و عمل
	کم توجهی به توسعه شرکت‌های زایشی	"گستره دانشگاه و تعداد دانشجویان آن، به هیچ عنوان با تاسیس و توسعه شرکت‌های زایشی همخوان نیست." ناهمخوانی کم و کیف شرکت‌های زایشی با گستره دانشگاه
		"بسیاری از شرکت‌های زایشی کنونی با موانع مختلفی اعم از موانع قانونی، حمایتی و توسعه‌ای مواجه هستند." ضعف قوانین حمایتی از شرکت‌های زایشی

پارک‌های علم و فناوری نبود ارتباط مستمر با	"پیوند مستمر و تعاملی بین نهادهای درونی تجاری‌سازی مراکز رشد و نهادهای بیرونی مانند پارک‌های علم و فناوری وجود ندارد." ارتباط ناکارآمد نهادهای درونی و بیرونی تجاری‌سازی
	"دانشگاه باید بتواند ارتباطات رسمی و غیررسمی بین نهادهای درونی انتقال فناوری و پارک‌های علم و فناوری را تسهیل نماید." عدم تسهیل ارتباطات سازمانی

گرایش به رویکردهای سنتی در حکمرانی

نکته‌ای که به تکرار در مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر مورد اشاره قرار داشته، سرعت اندک تحولات در رویکردهای حکمرانی دانشگاهی کنونی بوده است. این مقوله خود شامل: کاربست رویکردهای ناهمخوان با متغیرهای محیطی؛ غلبه مدیریت بروکراتیک بر کارآفرینانه و عدم بلوغ حرفه‌ای - سازمانی مدیران، بوده است. در زیر برخی از نظرات مشارکت‌کنندگان در این زمینه مطرح شده است.

"موزش عالی و دانشگاه در حال حاضر با انبوهی از مسائل مواجه هستند، کیفیت خدمات، اشتغال دانش‌آموختگان و ارتباط با محیط و ... هر کدام از این مسائل نیازمند مذاقه جدی در فرایندهای رهبری و مدیریت دانشگاه است و می‌باید رویکردهای موجود را با دید انتقادی ارزیابی نمود و متحول ساخت."

"در اروپا از حدود سال ۲۰۰۰، به این دلیل که توان رقابتی با دانشگاه‌های آمریکا کاهش یافته بود؛ هم‌اندیشی‌های بسیاری صورت گرفت و نتیجه آن شد که باید رویکرد دانشگاه همراهی و هماهنگی بیشتر با بازار و جامعه و محیطی‌های تولیدی و صنعتی باشد و حتی خود دانشگاه هم رویکردی کارآفرینانه و شبه تجاری داشته باشد؛ امری که هنوز در دانشگاه‌های ما چندان به آن توجه نمی‌شود."

عدم تنوع در شیوه‌های تأمین مالی

برخی از مشارکت‌کنندگان ابراز داشته‌اند که تاکنون در دانشگاه‌های ایران، تنوع‌بخشی به تأمین مالی دانشگاه‌ها، به طور جدی مورد ملاحظه دست‌اندرکاران قرار نگرفته است. این مقوله دربرگیرنده: کم بودن اختیار عمل در تعیین شهریه و کاهش منابع مالی بوده است. در ادامه برخی از گزاره‌های مشارکت‌کنندگان که این موارد را در مصاحبه‌های خود مدنظر قرار داده‌اند، ارائه شده است.

"احساس من این است که دانشگاه آزاد در حال حاضر درباره ماهیت وجودی خود دچار مسأله شده است، یعنی ما می‌بینیم که جذب بیشتر دانشجو صرف نظر از امکانات و ظرفیت مجموعه، یک اصل است و خیلی ماهیت اصلی دانشگاه اولویت دانشگاه تلقی نمی‌شود."

"به نظرم دانشگاه باید این اختیار عمل را داشته باشد تا در مواردی مانند تعیین شهریه‌های دانشجویی با توجه به کیفیت خود و متغیرهای رقابتی، تصمیم‌گیری کند. اینکه دانشگاه از طرف دولت درباره افزایش شهریه‌های که بعضاً تنها درآمد دانشگاه است تحت فشار باشد؛ منطقی نیست."

گسست ارتباطی دانشگاه و نهادهای واسط صنعتی - تجاری

صاحب‌نظران بسیاری در سال‌های اخیر که ارتباط دانشگاه و صنعت اهمیت پیدا کرده است؛ بر این اعتقاد بوده‌اند که ارتباط این دو نهاد مادامی که به شکل مستقیم باشد کارآمدی کافی را در پی ندارد و می‌باید نهادهایی واسط همچون مراکز رشد (انکوباتورها)، دفاتر انتقال فناوری، پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های زایشی (اسپین‌آف) در این میان نقش آفرین باشند. این مؤلفه مشتمل بر چهار مقوله فرعی عدم توسعه ساختارهای انتقال فناوری؛ نامطلوب بودن فرآیند

تجاری سازی؛ کم توجهی به توسعه شرکت های زایشی و نبود ارتباط مستمر با پارک های علم و فناوری می باشد. برخی از مشارکت کنندگان پژوهش حاضر در طی مصاحبه به مواردی اشاره نموده اند که مرتبط با مقولات این مؤلفه می باشد:

"یکی از شاخص هایی که می تواند ما را به قضاوت درباره کیفیت ارتباط دانشگاه و صنعت و مأموریت های بازارگرای دانشگاه هدایت کند؛ تعداد شرکت های اسپیس آف و همچنین کیفیت آنهاست و اینکه چه درصدی از این شرکت ها توانسته اند مستقل شوند و بازدهی کافی را به لحاظ مادی داشته باشند."

"علی رغم اشارات و تأکیدات بسیاری که در طی برنامه های توسعه ای ۵ ساله و سند چشم انداز و برنامه های بخشی و فرابخشی دیگر که در زمینه تجاری سازی و اقدامات دیگری از این دست، قوانین و سیاست هایی را ابراز داشته اند؛ اما همچنان در مقام اجرا و عمل چالش های بسیاری وجود داشته است."

عوامل مداخله گر (تسهیل کننده)

شرایط مداخله گر تسهیل کننده، شامل شرایط ساختاری هستند که موجب تسهیل راهبردها در زمینه خاص می شوند (اشتراس و کوربین، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر شرایط مداخله گر تسهیل کننده شامل ۳ مقوله اصلی ضرورت ها و الزامات رقابتی؛ درس آموخته های منطقه ای و جهانی و توده ای شدن آموزش عالی بوده است (جدول ۴). در ادامه به هر یک از این مقوله ها و همچنین گزاره هایی از متن مصاحبه های انجام گرفته با مشارکت کنندگان، اشاره می شود.

جدول ۴- شرایط مداخله گر تسهیل کننده الگوی وضعیت حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه صنعت و بازار		
کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت کنندگان (کد باز)
ضرورت ها و الزامات رقابتی	رقابت محوری روزافزون صنایع	"همین مسأله که امروزه همه صنایع و بخش های تولیدی درگیر رقابتند؛ نقطه قوتی برای دانشگاه است." رقابت- محوری در صنایع
		"جهانی شدن و رقابت های فزاینده، صنایع و بازار را به سمت دانشگاه سوق می دهند." جهانی شدن
		"به همان نسبتی که علم و تکنولوژی گسترش یافته؛ مسائلی که نیازمند راهکارند هم افزایش پیدا کرده است." افزایش فرصت های محیطی
		"در سال های اخیر مراجعه صنایع به مراکز پژوهشی مانند دانشگاه به منظور رفع مسائلی که با آن مواجهند؛ بیشتر شده است." وابستگی بیشتر صنایع به دانشگاه
		"به هر میزان که دانش در جامعه و اقتصاد اهمیت پیدا کند، مشارکت دانشگاه هم در تولید و بازار افزایش می یابد." توسعه جوامع دانش بنیان
		"همگام با اهمیت دانش، نهادهای واسطه که از طرح ها و ایده های دانشگاهی حمایت مالی، تجهیزاتی و ... می کنند هم افزایش یافته است." افزایش صندوق های سرمایه گذاری
درس آموخته های منطقه ای و جهانی	حمایتی و سرمایه گذاری	"در سال های اخیر حمایت هایی از کارآفرینی دانشجویی و دانشگاهی و بازاریابی محصولات انجام شده است" حمایت از بازاریابی محصولات
	بهره گیری از تجارب جهانی	"گسترش شبکه جهانی وب، امکان آموختن از تجارب دانشگاه های دیگر را فراهم نموده است." گسترش شبکه ها و اجتماعات یادگیری
	تسهیم دانش بین المللی	"در دسترس بودن سیر تحول ارتباطات و مشارکت های دانشگاه و صنعت در جهان از دهه ها پیش، می تواند گویای رویکردهای بهینه این فرایند باشد." سنجش اثربخشی رویکردها
		"بسیاری از دانشگاه ها می توانند به منظور ارتقای توانمندی ها خود، با یکدیگر تسهیم دانش داشته باشند." امکان تسهیم دانش جهانی

		"میل و اشتیاق به تسهیم دانش مخصوصاً در محیط‌های علمی مانند دانشگاه‌ها افزایش قابل توجهی داشته است." افزایش اشتیاق به یادگیری و تسهیم دانش
توده‌ای شدن آموزش عالی	افزایش تقاضای آموزش عالی	"ضریب پوشش دانشگاه‌ها، امکان بهره‌گیری از استعداد‌های بیشتری را برای دانشگاه فراهم ساخته." افزایش ضریب پوشش
		"توده‌ای شدن آموزش عالی، خصوصی‌سازی این بخش و توسعه دانشگاه آزاد را در پی داشته و درصد زیادی از افراد این دانشگاه را برگزیده‌اند." افزایش خصوصی‌سازی
		"اهمیت و جایگاه دانشگاه‌ها و مدارک تحصیلی، این امکان را مهیا ساخته که تمامی افراد مستعد، تحصیلات دانشگاهی را در نظر داشته باشند." جذب استعداد‌های علمی و پژوهشی
	توسعه استانداردهای آموزشی و پژوهشی	"یکی از ضروریات توده‌ای و خصوصی‌سازی شدن آموزش عالی، اهمیت یافتن استانداردها و شاخص‌های تحصیلی، فیزیکی، سرانه‌های آموزشی و ... بوده است." ارتقای استانداردهای کمی و کیفی
		"رقابتی تر شدن و گسترش کمی آموزش عالی باعث شده است که آگاهی عمومی و مطالبات مردمی از دانشگاه نیز افزایش یابد" آگاهی عمومی و مطالبات اجتماعی

ضرورت‌ها و الزامات رقابتی

به گواه نظرات مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت در هزاره سوم شرط ماندگاری و موفقیت سازمان‌ها در تحقق اهداف خود، کسب مزیت‌های رقابتی نوین و بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی است. تحلیل و طبقه‌بندی گزاره‌های مفهومی مورد اشاره توسط مشارکت‌کنندگان گویای آن است که این مؤلفه، شامل دو مقوله فرعی رقابت‌محوری روزافزون صنایع و افزایش صندوق‌های حمایتی و سرمایه‌گذاری می‌باشد. در ادامه به برخی از گزاره‌های مفهومی مشارکت‌کنندگان که در طی مصاحبه مطرح نموده‌اند؛ اشاره می‌شود:

"صنایع و بخش‌های تولیدی امروزی اگر بخواهند دوام و استمرار داشته باشند و بقای خود را تضمین کنند باید بتوانند نوآوری لازم را در تشکیلات خود ایجاد کنند، بهترین رویکردی هم که می‌تواند این موفقیت و نوآوری را در پی داشته باشد همکاری و مشارکت با نهاد‌های علمی و پژوهشی حرفه‌ای، مانند دانشگاه است."

"همراستای با اهمیت یافتن پژوهش‌های دانشگاهی و بهره‌گیری از توان بالقوه منابع انسانی و درآمدزایی اختصاصی آنها، صندوق‌های حمایت از نوآوری و دانشجویان نیز توسعه قابل توجهی پیدا کرده است و همین مسأله می‌تواند فعالیت‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی و ارتباطات صنعتی - تجاری را تا حدود زیادی تسریع و تسهیل کند."

درس آموخته‌های منطقه‌ای و جهانی

این عامل خود شامل دو مقوله بهره‌گیری از تجارب جهانی و تسهیم دانش بین‌المللی بوده است. غالب مشارکت‌کنندگان این مسأله را به اشکال مختلفی در مصاحبه‌های خود خاطر نشان ساخته‌اند که یکی از مزیت‌های کنونی دانشگاه‌ها و نهاد‌های فرابخشی در زمینه حکمرانی، امکان بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی است. در همین راستا می‌توان به برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان که مواردی از این دست را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اشاره نمود:

"تسهیم دانش هر روز اهمیت بیشتری در سازمان پیدا می‌کند. همین مسأله می‌تواند دیدگاه‌های دانشگاه‌ها را در رابطه با نوع حکمرانی خود، تحت تاثیر قرار دهد و دانشگاه‌ها به واسطه پیوند با سایرین، یادگیری لازم را در زمینه حکمرانی دانشگاهی به دست آورند."

"به نظرم در حال حاضر به واسطه گسترش اینترنت و وجود اطلاعات زیربند دسترسی به روندها تحولات حکمرانی دانشگاهی در اقصی نقاط جهان آسان است و می‌توان با مطالعات نظام‌مند، تحولات رخ داده و چرایی آنها را سنجید و با توجه به موقعیت‌های بومی، بهترین رویکردها را برگزید."

توده‌ای شدن آموزش عالی

به زعم مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر توده‌ای شدن آموزش عالی می‌تواند به عنوان یک عامل مداخله‌گر تسهیل‌کننده در نظر گرفته شود. این عامل شامل دو مقوله افزایش تقاضای آموزش عالی و توسعه استانداردهای آموزشی و پژوهشی می‌باشد که خود دربرگیرنده مقولات فرعی دیگری می‌باشند. برخی از اشارات مشارکت‌کنندگان را می‌توان به است صورت مورد توجه قرار داد:

"به نظرم همچنان که اشتیاق به ثبت نام در دانشگاه زیاد شده است، آگاهی و مطالبات عمومی نسبت به آموزش عالی هم افزایش یافته است و در بسیاری از نقاط جهان همین مسأله ارتقای کیفیت آموزش عالی و استانداردهای آموزشی و پژوهشی و کارآمدی نظام دانشگاه را در پی داشته است."

"نوده‌ای شدن آموزش عالی باعث شده است که دگرگونی‌هایی در نوع موسسات و دانشگاه‌ها به وجود بیاید و انواع دیگری همچون دانشگاه‌های خصوصی و نیمه دولتی گسترش یابد. معتقدم این نوع آموزش عالی می‌تواند جنبه‌های رقابتی بیشتری را برای بهبود کیفیت و رفتار حرفه‌ای دانشگاهیان را به دنبال داشته باشد."

عوامل مداخله‌گر (محدودکننده)

با توجه به تحلیل‌های برآمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان پژوهش؛ دسته‌ای از عوامل وجود داشته است که می‌توانسته‌اند به عنوان یک چالش و مانع در راستای تحقق حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار در نظر گرفته شود. این عوامل شامل سیاست‌زدگی و محرک‌های اجتماعی - فرهنگی بوده است (جدول ۵).

جدول ۵- شرایط مداخله‌گر محدودکننده الگوی وضعیت حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه صنعت و بازار		
کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
سیاست‌زدگی	نبود شایسته‌سالاری	"در دانشگاه باید شایستگی‌های حرفه‌ای مبنای احراز هر پست و منصبی باشد." کم‌توجهی به صلاحیت‌های حرفه‌ای
		"در نهادهای علمی مانند دانشگاه نباید گرایش‌های سیاسی افراد جایگاه شغلی آنها را تعریف کند." غلبه گرایش‌های سیاسی
	بهره نبرد از فلسفه‌ها و اندیشه‌های نوین	"برخی از رویکردها و فلسفه‌هایی که می‌توانند رویکردهای حکمرانی دانشگاهی را متحول نمایند؛ به دلایلی مانند غربی بودن و ... مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند." مقاومت در برابر اندیشه‌های نوین
		"هنوز به نظرم رویکرد و فلسفه و انتظار دولت، در قبال دانشگاه و نهادهای عمومی مشخص نیست." ابهام در فلسفه آموزش عالی
محرک‌های اجتماعی - فرهنگی	ضعف عقلانیت در سیاست‌گذاری	"معمولاً سیاست‌گذاری‌های دانشگاهی متأثر از مباحث سیاسی، چندان عقلانی نیست و امکان تحقق نمی‌یابد." سیاست‌گذاری غیرعقلانی
		"فرایند سیاست‌گذاری از شناخت مسأله تا ارزیابی و اصلاح مجدد، چندان منطبق با واقعیت‌های محیطی نیست." ناهمخوانی فرایند سیاست‌گذاری با واقعیت
	نگاه و باور به دانشجو و استاد	"باید کلیه ارکان کشور، دانشجو و استاد را به عنوان یک مزیت رقابتی و منبع تولید ثروت تلقی کنند." تلقی نسبت به دانشجو و استاد
		"پذیرش دانشجو به عنوان مشتری باید با رویکرد مشتری‌مداری و ارائه خدمات با کیفیت به او دنبال شود." عدم توجه به اصول مشتری‌مداری
		"متأسفانه در دهه‌های گذشته کمیت‌گرایی بر کیفیت آموزش عالی غلبه داشته است." نگاه و باور کمی‌گرا

	"یک رویکرد غالب وجود دارد که معمولاً در بخش‌های مختلف شاخص‌سازی برای کیفیت محصولات و خدمات صورت نمی‌گیرد. "فقدان شاخص‌سازی کیفی
نقش و جایگاه دانشگاه	"باید قبل از هر چیز جایگاه دانشگاه به عنوان یک نهاد توسعه‌ای پذیرفته شود تا از ابهامات کارکردی آن هم کاسته شود. "ابهامات کارکردی
	"در وضعیت کنونی، دانشگاه‌ها نقش خود را صرفاً مصرف‌کننده می‌بینند و درآمدزایی (به غیر شهریه) را خیلی پیگیری نمی‌کنند. "نبود نگاه توسعه‌ای به دانشگاه

سیاست‌زدگی

این عامل شامل سه مقوله کلی نبود شایسته‌سالاری؛ بهره نبردن از فلسفه‌ها و اندیشه‌های نوین و ضعف عقلانیت در سیاست‌گذاری بوده است. می‌توان موارد پرشماری را برشمرد که این دسته از عوامل مورد تأکید مشارکت‌کنندگان قرار گرفته است:

"اعتقاد دارم که مبنای هر نوع توسعه‌ای در جامعه، شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری است؛ به نظرم نباید گرایش‌های سیاسی و ... جایگزین شاخص‌های حرفه‌ای و شغلی شود. "

"دانشگاه و آموزش عالی در دهه‌های گذشته محل تلاقی اندیشه‌ها و مکتب‌های فلسفی مختلفی بوده است. بسیاری از بازنگری‌ها در حکمرانی دانشگاهی نیز برخاسته از همین اندیشه‌های فلسفی است. اینکه رویکردهای کارآفرینانه و تجاری از دهه ۱۹۹۰ در دانشگاه‌های غربی متولد می‌شود به جهت همین مسأله است. حالا اگر در برابر آثار مثبت این اندیشه‌ها بی‌تفاوت بود یا در مقابل آنها جبهه گرفت؛ مطمئناً فرصت‌های زیادی از دانشگاه ایرانی سلب خواهد شد."

محرك‌های اجتماعی - فرهنگی

تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان گویای آن بود که محرك‌های اجتماعی - فرهنگی متشکل از سه مقوله: نگاه و باور به دانشجو و استاد؛ بی‌توجهی به کیفیت و نقش و جایگاه دانشگاه، می‌تواند دسته‌ای دیگر از عوامل مداخله‌گر محدودکننده وضعیت جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در رابطه با صنعت و بازار بوده است. در این راستا می‌توان گزاره‌هایی از مصاحبه‌های انجام شده که به مقولات این عامل مرتبط بوده است، به عنوان نمونه اشاره نمود:

"اگر دانشگاه صرفاً یک نهاد مصرفی با کارکردهایی همچون ارائه مدرک دانشگاهی و جذب دانشجو و غیره قلمداد شود، پیامد آن وضعیت کنونی است که واقعاً دانشگاه جایگاهی در توسعه کشور ندارد و فقط در کلام و برنامه‌های مکتوب این نقش به دانشگاه اطلاق می‌شود. "

"متأسفانه در دانشگاه آنچه که کاملاً مطرود است و مورد توجه قرار نمی‌گیرد مسأله کیفیت است. کیفیت باید دغدغه مداوم تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران باشد و آن را به واسطه شاخص‌های کاملاً سنجش‌پذیر، عینی و عملی بررسی کنند."

شرایط زمینه‌ای

شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، زمینه نامیده می‌شوند (اشتراس و کوربین، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر، شرایط زمینه‌ای الگوی وضعیت جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار شامل عامل محیطی - زمینه‌ای می‌شود که خود دربرگیرنده ۳ مقوله فرعی کنترل دولتی و تمرکز سیاست‌گذاری؛ انعطاف‌ناپذیری و عدم سازگاری با تحولات و باورها و نگرش‌های فراسیستم‌ها می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۶- شرایط زمینه‌ای الگوی وضعیت حکمرانی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه صنعت و بازار		
کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
عوامل محیطی - زمینه‌ای	کنترل دولتی و تمرکز سیاست‌گذاری	"در کشور همیشه علاقه به کنترل و تمرکز در مورد نهادهای مختلف از جمله دانشگاه وجود داشته است." بی‌میلی نسبت به استقلال سازمانی
		"همچنان غالب سیاست‌گذاری‌ها در بخش‌های بر عهده دولت می‌باشد." سیاست‌گذاری متمرکز
	باورها و نگرش‌های فرایست‌ها	"رویکرد نهادهای بالادستی بر توسعه دانشگاه به معنای واقعی آن نبوده است و از موارد مهمی مانند کیفیت چشم‌پوشی شده است." عدم حمایت فرایست‌ها
		"باورها و نگرش‌های نهادهای فرادستی باعث شده است که بسیاری از ظرفیت‌های دانشگاه، شکوفا نشود." نگرش کنترلی فرایست‌ها

عوامل محیطی - زمینه‌ای

با توجه به تحلیل مصاحبه‌های انجام پذیرفته و فرایند کدگذاری، می‌توان گفت که عوامل محیطی - زمینه‌ای اصلی‌ترین محور شرایط زمینه‌ای الگوی وضعیت جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در رابطه با توجه به صنعت و بازار بوده است. این عامل متشکل از دو مقوله: کنترل دولتی و تمرکز سیاست‌گذاری و باورها و نگرش‌های فرایست‌ها می‌باشد. در این رابطه می‌توان به برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان به شرح زیر اشاره نمود:

"یکی از رویکردهای غالبی که در کشور وجود دارد این است که عموم نهادهای بالادستی خواهان کنترل مجموعه‌های زیردستی هستند. این مسأله موجب شده است که تصمیمات کلیدی و سیاست‌گذاری‌ها در بالاترین سطوح اتخاذ شود. هر زمان هم صحبت از استقلال نهادهایی مانند دانشگاه شده است، تحرک جدی و عملی‌ای را مشاهده نکرده‌ایم."

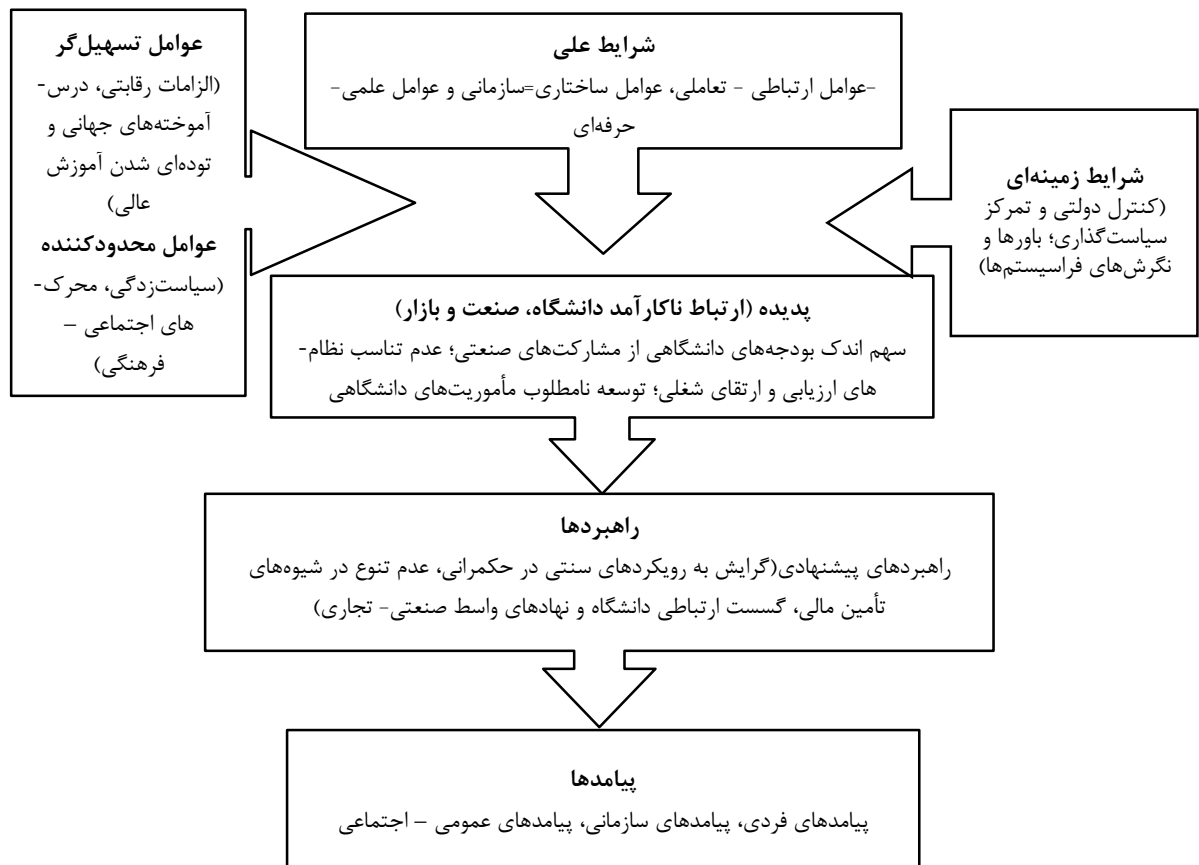
"دانشگاه به آن معنایی که عموماً در کشورهای توسعه‌یافته مدنظر قرار می‌گیرد در این کشور مورد توجه نبوده است؛ توسعه آن هم چندان فرایند منطقی‌ای نداشته و به تبع کارکردها و ساختارهای سازمانی هم در جهتی که دانشگاه بتواند توسعه‌دهنده و پیش‌برنده اقتصاد و فرهنگ باشد، نبوده. کیفیت‌مداری هم از حمایت‌های لازم برخوردار نبوده است."

پیامدها

پیامدهای وضعیت جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار، در سه دسته پیامدهای فردی (توسعه حرفه‌ای نامطلوب؛ کاهش انگیزه و خودکارآمدی)؛ سازمانی (کاهش منابع مالی دانشگاه؛ عدم استقلال دانشگاهی) و عمومی - اجتماعی (کاهش جایگاه اجتماعی دانشگاه؛ عدم توسعه اجتماعی - اقتصادی) مورد شناسایی واقع شده است. می‌توان گفت که وضعیت کنونی حکمرانی دانشگاه آزاد در همراستایی با صنعت و بازار، موجبات بروز پیامدهایی شده است که عملکرد فعلی این دانشگاه را در تطابق با نیازهای محیطی و رقابت‌های فراینده منطقه‌ای و جهانی با چالش جدی مواجه ساخته است.

الگوی پارادایمی برآمده از داده‌ها

با توجه به تحلیل‌های انجام شده و طی نمودن فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی، الگوی پارادایمی وضعیت جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار به شرح شکل ۲ می‌باشد.



شکل ۲: الگوی پارادایمی وضعیت جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار

بحث و نتیجه‌گیری

همچنان که پیش از این گفته شد هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی الگوی جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار بوده است. برای دستیابی به این هدف، نظریه داده‌بنیاد مدنظر قرار گرفت. داده‌های حاصل از انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته در مدل اشتروس و کوربین بازنمایی شد. نتایج گویای آن بود که پدیده محوری در الگوی حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار، ارتباط ناکارآمد دانشگاه، صنعت و بازار می‌باشد که دربرگیرنده سه مقوله کلی سهم اندک بودجه‌های دانشگاهی از مشارکت‌های صنعتی، عدم تناسب نظام‌های ارزیابی و ارتقای شغلی و توسعه نامطلوب مأموریت‌های دانشگاهی بوده است. مشارکت کنندگان اعتقاد داشته‌اند که وضعیت کنونی ارتباط دانشگاه و صنعت از مطلوبیت لازم برخوردار نبوده است و این عدم پیوستگی بین نهادهای سه‌گانه دانشگاه، صنعت و بازار، موجب شده است که منابع مالی دانشگاه محدود به دریافت شهریه‌های دانشجویی شود و همچنین نظام‌های ارزیابی و ارتقای شغلی - حرفه‌ای اعضای هیات علمی نیز چندان قربانی با کنش‌های بازارمحورانه نداشته باشد. از سویی دیگر پویایی مأموریت‌های دانشگاهی که می‌باید در راستای نیازهای محیطی و خلق مزیت‌های رقابتی سازمانی مدنظر سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران دانشگاهی باشد؛ مغفول مانده و به زعم مشارکت کنندگان، مأموریت‌های کنونی نتوانسته‌اند تضمین‌کننده موفقیت و حیات مستمر نهاد دانشگاه آزاد باشد. یافته‌های این بخش از پژوهش با پژوهش امیری و ابوالقاسمی (۱۴۰۱)؛ انگو و میک (۲۰۱۹) و فیلهو و همکاران (۲۰۲۰) هم‌راستا می‌باشد.

شرایط علی‌الگویی پژوهش حاضر بر عوامل ساختاری - سازمانی (نامتناسب بودن ساختارها؛ نبود هم‌افزایی ساختاری؛ عدم چابکی ساختاری)؛ عوامل ارتباطی - تعاملی (نبود تعامل مستمر درونی و بیرونی؛ کم‌توجهی به بازخوردهای محیطی؛ کم‌توجهی به پویایی برنامه‌های درسی؛ عدم مشارکت در نظام‌های تضمین کیفیت و انفعال در رتبه‌بندی دانشگاهی) و عوامل علمی - حرفه‌ای (ضعف در ارزیابی کیفیت تدریس؛ مبهم بودن جهت‌گیری غالب تدریس و پژوهش؛ سیاست-گذاری و تصمیم‌گیری متمرکز و عدم توجه به نیازها و خواسته‌های ذی‌نفعان) متمرکز بوده است. می‌توان گفت تأکیدات برنامه‌ای و قانونی سال‌های اخیر در راستای اتخاذ رویکردهای فعالانه‌تر دانشگاه در نقش‌آفرینی در نظام صنعت و بازار، با رویکردهای عینی و عملی همراه نبوده است و به همین جهت وضعیت کنونی حکمرانی دانشگاه آزاد رخ نموده است. یافته‌های پژوهش حاضر در این بخش با پژوهش ون‌دائو و هایدن (۲۰۱۹) در زمینه توجه به برنامه‌های تضمین کیفیت و ارزیابی آن و با پژوهش فاودی و همکاران (۲۰۲۰) در رابطه با توجه به شاخص‌های رتبه‌بندی دانشگاهی هم‌سو می‌باشد. شرایط راهبردی الگوی پژوهش در برگیرنده سه مقوله کلی گرایش به رویکردهای سنتی در حکمرانی دانشگاه (کاربست رویکردهای ناهمخوان با متغیرهای محیطی؛ غلبه مدیریت بروکراتیک بر کارآفرینانه؛ عدم بلوغ حرفه‌ای - سازمانی مدیران)؛ عدم تنوع در شیوه‌های تأمین مالی (کاهش منابع مالی؛ کم بودن اختیار عمل در تعیین شهریه) و گسست ارتباطی دانشگاه و نهادهای واسط صنعتی - تجاری (عدم توسعه ساختارهای انتقال فناوری؛ نامطلوب بودن فرایند تجاری‌سازی؛ کم‌توجهی به توسعه شرکت‌های زایشی؛ نبود ارتباط مستمر با پارک‌های علم و فناوری) بوده است. یکی از اصلی‌ترین مواردی که در مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر در قالب گزاره‌های مفهومی گوناگون، به تکرار بیان شده است و می‌توان به بی‌توجهی دانشگاه به فرایند انتقال فناوری اشاره داشت. به باور ایشان در سال‌های اخیر یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های دانشگاه پیگیری مستمر فرایند انتقال فناوری بوده است؛ به گونه‌ای که در اکثر دانشکده‌ها و گروه‌های دانشگاهی دفاتری در این راستا با کارویژه‌های مشخص تاسیس گردیده است. علاوه بر این شواهد تجربی گویای آن است که تعامل سازنده‌ای نیز بین این دفاتر و نهادهای نظام‌مند واسط بین دانشگاه و صنعت، مانند انکوباتورهای دانشگاهی (مراکز رشد) و پارک‌های علم و فناوری ایجاد شده است. این در حالی است که توسعه دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی و دانشکده‌ای در دانشگاه آزاد کمترین توجه را به خود جلب نموده و ارتباطات سازنده بین اکوسیستم‌های واسط دانشگاه و صنعت نیز به هیچ عنوان از مطلوبیت و کارآمدی لازم برخوردار نبوده است. یافته‌های پژوهش در این بخش با پژوهش مولی و همکاران^۱ (۲۰۱۷) و اکین و همکاران^۲ (۲۰۲۰) همراستا می‌باشد.

شرایط مداخله‌گر تسهیل‌کننده در الگوی پارادایمی پژوهش، ناظر بر سه مقوله کلی ضرورت‌ها و الزامات رقابتی (رقابت محوری روزافزون صنایع؛ افزایش صندوق‌های حمایتی و سرمایه‌گذاری)؛ درس‌آموخته‌های منطقه‌ای و جهانی (بهره‌گیری از تجارب جهانی؛ تسهیم دانش بین‌المللی) و توده‌ای شدن آموزش عالی (افزایش تقاضای آموزش عالی؛ توسعه استانداردهای آموزشی و پژوهشی) بوده است. با توجه به تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت که با توجه به رقابت محوری فزاینده صنایع و ارزش روزافزون پژوهش‌های مسأله‌محور در این بخش و سایر بخش‌های تولیدی و خدماتی، فرصت‌های پرشماری برای دانشگاه، به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین نهاد حرفه‌ای - تخصصی پژوهشی فراهم شده است که با برنامه‌ریزی مدون می‌توان دستیابی به منابع مالی لازم را تسهیل نموده و به تبع آن، رسالت‌ها و مأموریت‌های

¹ Meoli et al

² O'Kane et al

تجاری و شبه‌بازاری دانشگاه آزاد را با کیفیتی بهتر محقق ساخت. یافته‌های پژوهش حاضر در این بخش با یافته‌های پژوهش کروچر و همکاران (۲۰۱۹)؛ لوکاس (۲۰۲۱) و امیری و ابوالقاسمی (۱۴۰۱) همسو می‌باشد.

شرایط مداخله‌گر محدودکننده الگوی وضعیت جاری حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار نیز شامل دو مقوله کلی سیاست‌زدگی (نبود شایسته‌سالاری؛ بهره‌نبردن از فلسفه‌ها و اندیشه‌های نوین؛ ضعف عقلانیت در سیاست-گذاری) و محرک‌های اجتماعی - فرهنگی (نگاه و باور به دانشجو و استاد؛ بی‌توجهی به کیفیت؛ نقش و جایگاه دانشگاه) بوده است. از منظر توجه به رویکردهای فلسفی نوین در رهبری و حکمرانی آموزش عالی، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش دونینا و ساندر (۲۰۱۸) همراستا می‌باشد.

شرایط زمینه‌ای الگوی پژوهش نیز بر محور عامل عوامل محیطی - زمینه‌ای (کنترل دولتی و تمرکز سیاست‌گذاری؛ باورها و نگرش‌های فراسیستم‌ها) متمرکز بوده است. در این رابطه مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر بر این باور بوده‌اند که استقلال سازمانی دانشگاه همواره یکی از مسائل چالش‌برانگیز کشور بوده است. عموم مشارکت‌کنندگان به شکلی درباره این مسأله که تمایل واقعی و عملی از جانب نهادهای فرادستی در رابطه با استقلال دانشگاهی وجود نداشته است؛ توافق داشته‌اند. همچنین این نکته که نوع نگاه به دانشگاه، علی‌رغم اظهارات شفاهی مسئولان، نگاهی مصرفی بوده است، در بیانات مشارکت‌کنندگان تکرار شده است. به این معنا که هر چند در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، دانشگاه یکی از مهم‌ترین نهادهای توسعه‌ساز تلقی می‌شود؛ ولی در ایران، رویکردهای عملی نسبت به دانشگاه، نشان‌چندانی از نگاه توسعه‌ای نهادهای فرادستی به دانشگاه، نداشته است.

با توجه به آرا و نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، پیامدهای الگوی کنونی حکمرانی دانشگاه آزاد در زمینه توجه به صنعت و بازار، در سه مقوله کلی پیامدهای فردی (توسعه حرفه‌ای نامطلوب؛ کاهش انگیزه و خودکارآمدی)؛ پیامدهای سازمانی (کاهش منابع مالی دانشگاه؛ عدم استقلال دانشگاهی) و پیامدهای عمومی - اجتماعی (کاهش جایگاه اجتماعی دانشگاه؛ عدم توسعه اجتماعی - اقتصادی) می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند رهیافت‌ها و پیشنهادات کاربردی به شرح ذیل را در راستای موفقیت نهادی بیشتر و اثربخشی اجتماعی دانشگاه آزاد در زمینه ارتباط با صنعت و بازار، مورد توجه قرار دهد:

- بازنگری محتوا دوره‌ها و برنامه‌های درسی همگام با نیازسنجی‌های محیطی؛
- تدوین آیین‌نامه‌های ارتقای اعضای هیات علمی با تمرکز بیشتر بر ارتباطات مؤثر صنعتی و تجاری؛
- تاسیس و توسعه دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی و تسهیل ارتباط آنها با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری؛
- تدوین شاخص‌های حرفه‌ای و الگوهای شایستگی مدیران دانشگاه و زیربخش‌های آن با توجه به مأموریت‌های تجاری و بازارمحورانه دانشگاه.

منابع

- اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. مترجم؛ ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- امیری فرح‌آبادی، جعفر (۱۴۰۱). *آموزش عالی در پرتوی فلسفه نئولیبرالیسم*. تهران، انتشارات ارشدان.
- امیری فرح‌آبادی، جعفر و ابوالقاسمی، محمود (۱۴۰۱). سهم و نقش حکمرانی دانشگاهی بازارگرا در تحقق کارکردهای دفاتر انتقال فنائری دانشگاهی. *فصلنامه آموزش عالی*، ۱۴ (۴)، ۱۰۵-۱۲۵.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸). *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی (با تأکید بر نظریه پایه) گرنندتوری (GTM)*. تهران: آگاه.
- محمودی توپکانلود و معرفت، رحمان (۱۴۰۲). موانع کارآفرینی دانشگاهی و تجاری‌سازی دانش در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی. *فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۳۴ (۲)، ۷۱-۹۸.
- نادری، نادر؛ بهاروند، فتانه و گوران، میلان (۱۴۰۲). تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی در فراگرد کارآفرینی دانشگاهی با رویکرد فراترکیب. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۶ (۶۱)، ۲۱۶-۱۹۳.
- نوروزی، مهناز؛ موسی‌خانی، مرتضی و سبحانی، عبدالرضا (۱۴۰۱). طراحی الگوی مشارکت ذینفعان در توسعه کارآفرینی دانشگاهی در ایران (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی). *فصلنامه مدیریت راهبردی*، ۲۸ (۸۱)، ۱۷۳-۱۵۷.
- Christensen, T., Gornitzka, Å., & Ramirez, F. O. (Eds.). (2018). *Universities as agencies: Reputation and professionalization*. Springer.
- Cornelius-Bell, A. (2021). University governance, radicalism and the market economy: Where student power gave way to economics and educative possibility to the corporate university. *International Journal of Social Sciences & Educational Studies*, 8(2), 76-87.
- Croucher, G., Wen, W., Coates, H., & Goedegebuure, L. (2020). Framing research into university governance and leadership: Formative insights from a case study of Australian higher education. *Educational Management Administration & Leadership*, 48(2), 248-269.
- Donina, D., & Hasanefendic, S. (2019). Higher Education institutional governance reforms in the Netherlands, Portugal and Italy: A policy translation perspective addressing the homogeneous/heterogeneous dilemma. *Higher Education Quarterly*, 73(1), 29-44.
- Donina, D., & Paleari, S. (2019). New public management: global reform script or conceptual stretching? Analysis of university governance structures in the Napoleonic administrative tradition. *Higher Education*, 78, 193-219.
- Franco, I., Saito, O., Vaughtner, P., Whereat, J., Kanie, N., & Takemoto, K. (2019). Higher education for sustainable development: Actioning the global goals in policy, curriculum and practice. *Sustainability Science*, 14(6), 1621-1642.
- Fuadi, D., Harsono, H., Syah, M. F. J., Susilo, A., Suhaili, S., & Wahyono, B. (2021). Self-Governance: Internationalization management of distinctive higher education towards the world class university. *Indonesian Journal on Learning and Advanced Education (IJOLAE)*, 3(2), 96-113.
- Huisman, J., & Stensaker, B. (2022). Performance governance and management in higher education revisited: international developments and perspectives. *Quality in higher education*, 28(1), 106-119.
- Huyghe, A., Knockaert, M., Piva, E., & Wright, M. (2016). Are researchers deliberately bypassing the technology transfer office? An analysis of TTO awareness. *Small Business Economics*, 47(3), 589-607.
- Jiang, F., & Kim, K. A. (2020). Corporate governance in China: A survey. *Review of Finance*, 24(4), 733-772.
- Larrán Jorge, M., & Andrades Peña, F. J. (2017). Analysing the literature on university social responsibility: A review of selected higher education journals. *Higher Education Quarterly*, 71(4), 302-319.

- Lucas, A. (2021). The authoritarian academy: corporate governance of Australia's universities exploits staff and students and degrades academic standards. *Pearls and Irritations*.
- Martínez-García, I., Padilla-Carmona, M. T., & Alastor, E. (2019). Understanding governance at university: from management to leadership. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 11(3), 466-480.
- Meoli, M., Paleari, S., & Vismara, S. (2019). The governance of universities and the establishment of academic spin-offs. *Small Business Economics*, 52, 485-504.
- Mok, K. H. (2021). Managing neo-liberalism with Chinese characteristics: The rise of education markets and Higher education governance in China. *International Journal of Educational Development*, 84, 102401.
- Nabaho, L. (2019). Shared governance in public universities in Uganda: Current concerns and directions for reform.
- Ngo, J., & Meek, L. (2019). Higher education governance and reforms in Indonesia: Are the matrices of autonomy appropriate?. *Journal of International and Comparative Education (JICE)*, 17-26.
- Pronay, S., Keszey, T., Buzás, N., Sakai, T., & Inai, K. (2021). Performance of university technology transfer offices: evidence from Europe and Japan. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 21(7), 45-61.
- Sahlin, K., & Eriksson-Zetterquist, U. (2024). *University Collegiality and the Erosion of Faculty Authority* (p. 296). Emerald Publishing.
- Sarrico, C. S., Rosa, M. J., & Carvalho, T. (2022). Introduction to the research handbook on academic careers and managing academics. In *Research Handbook on Academic Careers and Managing Academics* (pp. 1-16). Edward Elgar Publishing.
- Stransky-Can, K. (2023). In between new public management and network governance in Austria, Finland and Scotland: Potential conflicts in autonomy understandings of governments and universities. *Journal of the Knowledge Economy*, 14(3), 2742-2766.

The Current Model of Governance in Islamic Azad University in Relation to Industry and Market

Nemat Jafarin Awal¹, Hadi Pourshafei^{*2}, Hossain Momenimahmouei³³ & Amir Amiri Rashkhar⁴⁴

Abstract

The main purpose of this research was to identify the current governance model of Islamic Azad University in relation to industry and market. This research was conducted using a qualitative approach and the application of the grounded theory method. The statistical population included the members of the Board of Governors and the heads of faculties of Azad University units in Razavi Khorasan province, who were selected through purposeful criterion-based sampling. Data were collected through semi-structured interviews with 15 participants (until theoretical saturation). Data analysis was done using open, axial and selective coding method. In order to ensure validity and reliability, Lincoln and Goba criteria were used. The results show 38 core concepts and 13 selected categories, which in the form of grounded theory include ineffective communication between university, industry and market as a central phenomenon, causal conditions (structural-organizational factors; communicative-interactive factors; scientific-professional factors). strategies (tendency to traditional approaches in governance; lack of diversity in financing methods; disconnection between universities and industrial-commercial intermediary institutions), contextual conditions (environmental-infrastructural factors), facilitating intervening conditions (competitive requirements; learning from regional and global experiences; the massification of higher education), restrictive intervening conditions (politicization and socio-cultural stimuli) and outcome (individual, organizational and public-social consequences) were organized. According to the findings, academic, social, and educational factors play a role in market-oriented university governance, and Islamic Azad University needs restructuring in this regard.

Keywords: Governance of Azad University, university-industry relationship, market-oriented university governance

¹ . PhD student in Educational Management, Department of Educational Sciences, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

² . Department of Educational Management, Birjand University, Birjand, Iran (corresponding author).

³ Department of Educational Sciences, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran

⁴ . Department of Educational Sciences, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran